

جغرافیای تاریخی شهر سمنان

حسن شادپور

سمنان

سمنان؛ به کسر سین بی نقطه و سکون میم و دو نون در میانشان الف¹، از جمله شهرهای مشهور و به نامی است مجاور کومش (قومس) و آن از میان ری و دامغان است برخی آن را به کومش نسبت می‌دهند و برخی به ری.²

اکثر جغرافیدانان و سیاحانی که در قرون اولیه‌ی هجری از سمنان دیدن کرده و از مشاهدات و مسموعات خود در تالیفات خود مطالبی راجع به سمنان آورده‌اند، همگی اتفاق نظر دارند، که سمنان شهری است کوچک با وسعت کم و از مهمترین ویژگی‌ها و خصوصیات آن، همانا وجود نظام دقیق تقسیم آب و همچنین بافت دستمال‌ها و پارچه‌های ظریف، همراه با نقش و نگار مختلف و وجود باغ‌ها و بوستان‌ها همراه با اشجار و میوه‌های فراوان در این خطه را به خوبی یاد کرده و آن را می‌ستایند. به طوری که ابودلف در سفرنامه‌ی خود آورده است: سمنان شهر کوچک و پرجمعیت است؛ میوه و خواربار در آن‌جا فراوان و آب آن گوارا

¹ - ابوالفدا، همان منبع، ص 502

² - حموی، یاقوت، همان منبع، جلد سوم، ص 112.

است. در این شهر دستمال‌هایی با نقش و نگار می‌بافند که بسیار گران‌بها است و بهای هر دانه‌ی آن به پنجاه دینار می‌رسد. و نیز در آن‌جا پارچه‌های چادری بسیار هنرمندانه می‌بافند و هر قواره‌ی آن تا دویست دینار و بیشتر فروخته می‌شود. می‌گویند زن‌هایی که این پارچه را می‌بافند در نتیجه‌ی دقت در ظرافت و زیبایی پارچه، به واسطه‌ی کار زیاد روی آن نابینا می‌شوند.¹

از نوشته‌های ابودلف چنین نتیجه می‌گیریم، که مردم سمنان از دیرباز به دلیل کمبود آب و شرایط اقلیمی خشکی که بر منطقه حکمفرما بود، به طرف شغل‌هایی مانند تهیه و بافت پارچه‌ها و همچنین کشت محصولاتی که به آب کمتری احتیاج داشت، مانند باغداری و تولید میوه رو می‌آوردند. تا همین اواخر نیز که هنوز صنعت در منطقه گسترش نیافته بود؛ اقتصاد استان وابستگی شدید به کارخانجات ریسندگی و بافندگی که در شهر سمنان واقع شده بود متکی بود. و اکثریت تجمعات سیاسی و تشکل‌های حزبی نیز از کارگرانی که در این کارخانه کار می‌کردند شکل می‌گرفت. و اکثریت خانواده‌ها نیز به طریقی به این کارخانه‌ها منتسب شده و یا عضوی از اعضای آن‌ها در آن کارخانجات به کار مشغول بودند.

مقدسی در توصیفی که از شهر سمنان به عمل می‌آورد؛ می‌گوید که: «در کنار جاده است، جامعی خوب در بازار دارد. جوی آبی به نوبت از آنجا می‌گذرد و استخرهایش را پر می‌کند. شهر کاهش یافته و در برابر آن دیهی است به نام سمنانک [سمنک] در سمت ری هست، که بازاری گرم دارد».²

از محتوای مطالب مقدسی مشخص می‌شود، که سمنان در قرون چهارم و پنجم هجری در کنار شاهراه ری به خراسان قرار داشته و اکثریت کاروان‌ها برای رسیدن به غرب و شرق ایران از این شهر عبور می‌کردند؛ در نتیجه وجود کاروانسراهای متعدد در بیرون از شهر

¹ - ابودلف، مسعود بن مهلهل، همان منبع، ص 81.

² - مقدسی، ابو عبدالله محمد. همان منبع، ص 521.

سمنان و در کنار جاده و همچنین در داخل شهر، به ویژه در بازار سمنان و همچنین وجود آب‌انبارهای متعدد در جوانب جاده، می‌رساند، که گرچه شهر از لحاظ کشاورزی و یا صنعت پیشرفت نکرده بود، ولی در زمینه‌ی تجارت و اسکان کاروان‌های مختلف در شهر سبب رونق معاملات تجاری شده بود و منظور جامع نیز، احتمالاً همان مسجد جامع سمنان است که در بازار پایین سمنان قرار داشته و اکثریت سیاحانی که به سمنان سفر کرده‌اند، از شمایل و ویژگی‌های آن در اثر خود یاد کرده‌اند. در مورد چگونگی تامین آب شهر سمنان باید گفته شود، که تنها منبع آبرسانی شهر، رودخانه‌ی گل رودبار است. رودخانه‌ی گل رودبار که از ارتفاعات شمالی سمنان، از محل «سردر بند گل رودبار» سرچشمه می‌گیرد، از دره‌های کوهستانی مسیر خود گذشته، پس از طی مسافتی حدود 25 کیلومتر و پیوستن منابع جدیدی از آب‌های سر راه از ده «درجین» عبور نموده، در حدود 4 کیلومتری شمال شهر سمنان با قدرت حدود 450 لیتر در ثانیه به محل معروف «آب پخش کن» وارد می‌شود. براساس تقسیمات محلی، تمامی آب رودخانه به 32 پی¹ تقسیم می‌گردد و این مقدار آب از آخرین مخزن در پنج قسمت نابرابر بر اساس حبابه‌ی محلی، در پنج نهر جریان می‌یابد و آب هر نهر، جداگانه به استخر مخصوص خود می‌ریزد. از محل هر استخر نهرهای متعددی براساس ضوابطی منعشب می‌گردد و مقسم‌های محلی هر نهر را در طول مسیر خود به جوی-های مختلف و هر جوی به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌کنند و به سوی کشتزارها جریان می‌یابند.

¹ پی (pi) تکه چوبی است که اندازه آن نسبت به دهنه برجم هر استخر تغییر می‌کند بدین ترتیب که آب کلیه افراد نیز براساس چوبی که اندازه پی را نشان می‌دهد مشخص می‌گردد یعنی بنا بر مقدار چوب آب هر شخص دهنه برجم به او اختصاص داده می‌شود.

پنج استخر عمده، که در شهر سمنان آب رودخانه‌ی گل رودبار به آن می‌ریزد¹
عبارتند از:

1- استخر زاوغان zaveqan

2- کوشک مغان

3- کدیور kediver

4- ناسار، اسفنجان و چوب مسجد

5- جنبدان (لثی بار و شاهجوق)²

و احتمالاً منظور مقدسی در مورد سمنک یا سمنانک، که به معنای سمنان کوچک است، همانا محلات کنونی در غرب سمنان است، که از محله‌هایی مانند کدیور، کوشک مغان و زاوغان تشکیل شده و به نام محلات ثلاثه در 4 کیلومتری سمنان واقع شده‌اند و به احتمال زیاد در گذشته، همچنین در ایام متاخر اکثر مایحتاج مردم سمنان از قبیل میوه و سبزی را این منطقه تامین می‌کرد. بدین جهت آبادانی آن از جهت وجود اشجار و باغ‌ها و کشتزارها نسبت به سایر محله‌های سمنان بیشتر بوده است.

از محصولات عمده و مشهور سمنان به جز دستمال‌ها و دستارهای ظریف و گران قیمت که ذکر شد می‌توانیم از میوه‌های مرغوب آن مانند انار و فستق (پسته)، انجیر، انگور و بادام نام ببریم. و باید ذکر شود، که محصول خربزه‌ی سمنان به ویژه محصولی که در سرخه و

¹ - مطلعین محلی قوانین مربوط به تقسیم آب در سمنان را به شیخ علاءالدوله سمنانی که از متفکران قرن هشتم هجری منطقه است می‌دانند.

«نحوه تقسیم آب شهر سمنان طرح او است
هر سحرگه آب می‌گردد روان در جویبار
اختلاف شرب هرگز نیست بین شاربین
وقف شرعی گردد از بهر وضوی مسلمین»
جواد صفی نژاد - نظام آبیاری سنتی در ایران (تهران - انتشارات دانشگاه تهران - 1359) ص 97.

² - همان منبع، ص 101

اطراف آن به عمل می‌آید، بسیار مرغوب است و حتی ارزش صادراتی نیز دارد. به طوری که در وصف آن گفته‌اند:

رو به سمنان خربزه در سرخه‌ی سمنان ببین تا بدانی خربزه چون سرخه در گرگاب نیست¹

در جلگه و دشت در صورت داشتن آب کافی، می‌توان محصولاتی مانند پنبه و تنباکو و گندم کشت نمود و در مناطق شمالی سمنان؛ یعنی در شه‌میرزاد و سنگسر (مهدیشهر) محصولات سردسیری مانند گردو به عمل می‌آید. ظاهراً در گذشته و همچنین در قرون متاخر محصولاتی که در سمنان کشت می‌شد، کفاف مصرف روزانه‌ی مردم را برآورده نمی‌کرد، در نتیجه مردم مجبور بودند بسیاری از مایحتاج خود را از شهرهای اطراف به خصوص خوار و هزار جریب تامین نمایند. به طوری که هوتوم شیندلر، در شرح سفر خود به سمنان می‌نویسد: «زراعات بلوکات سمنان کفاف جمعیت سمنان را نمی‌کند و برای سه ماه کفایت. برای کفاف نه ماه دیگر از اطراف و خوار می‌آورند.»²

از جمله معادن و منابع زیرزمینی عمده در سمنان می‌توانیم به زغال سنگ، گل سرشور، نفت، آهن، روی و نقره اشاره کنیم.³ سیاحان و جهانگردان متاخر از دو برجستگی و ویژگی مهم که خاص منطقه و شهر سمنان بوده است و در دیگر نقاط کشور دیده نمی‌شود، یاد کرده‌اند که از جمله‌ی آن می‌توانیم از پخت نوعی نان به نام سماط (بکسمات) یاد کنیم که هنوز هم پخت آن البته نه با کیفیت گذشته ادامه دارد و دیگر زبان⁴ سمنانی، همراه با لهجه-های مهمی مانند سنگسری و سرخه‌ای - لاسگردی و شه‌میرزادی می‌باشد که هنوز اصالت

¹ - آبادی باویل، محمد، همان منبع، ص 400

² - شیندلر، هوتوم، همان منبع، ص 155.

³ - محمد حسن گنجی، 32 مقاله جغرافیایی، (تهران، انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، 1353) ص 149.

⁴ - زبان و لهجه سمنانی که در میان خودشان معمول است زبان مخصوصی است که فهمیدن آن نهایت اشکال دارد بحدیکه اهالی ایران هروقت بخواهند صعوبت تفهیم تفهیم زبانی را اظهار دارند آن را نسبت به زبان و لهجه سمنانی می‌دهند. - حکیم الممالک، علینقی / همان منبع، ص 50.

خود را نگهداشته و تغییرات زیادی پیدا نکرده است. گذشته از آن سمنان در ایده‌آل‌ترین وضعیت برای بهره‌گیری از راه‌های تجاری قرار گرفته بود؛ مخصوصاً که رقیبی نیز در این بهره‌وری نداشت. و مهمترین راه‌هایی که از سمنان منشعب می‌شدند عبارتند از راهی از شمال غربی، با گذشتن از رشته‌کوه‌های البرز به فیروزکوه و در نتیجه به آن‌سوی کوهستان البرز و دریای مازندران می‌رسید. به طوری که این جاده، محبوبترین راه برای رسیدن به ری در تابستان بود و مناظر خرم و زیبای طبیعی داشته است. راهی دیگر نیز، در جهت شمال شرقی در مسیر بهشهر پیش می‌رفت. در جنوب نیز جاده‌ی سومی در این مسیر به جندق می‌رسید. کابریل در شرح این جاده می‌نویسد: «راه که دشوار و حدود 230 کیلومتر بود، در عرض چهار روز و پنج شب طی شد. امروزه این راه به خاطر مخاطرات و کوتاهی دو راه دیگر در شرق، اهمیت خود را از دست داده است.»¹ اما آن‌طور که به نظر می‌رسد، جاده‌ی جنوبی و راه‌های منشعب از آن از لحاظ تجاری از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، به طوری که کرزن در اثر خود می‌نویسد: «سمنان پلی است که به وسیله آن، جاده‌ای از بندرعباس از راه یزد و طبس از ناحیه‌ی جنوب برای قسمت‌های شمالی جنس حمل می‌کند.»²

در نوشته‌های سیاحان به راهی که در شش فرسنگی لاسگرد از راه امامزاده علی‌اکبر³ در میان کوه تعبیه شده بود برمی‌خوریم، که این راه شش روزه شخص را به مازندران می‌رساند.⁴

¹ - آلفونس کابریل، عبور از صحاری ایران، ترجمه از فرامرز مجد سمیعی (مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1371) ص 273.

² کرزن، لرد، همان منبع، جلد اول، ص 387.

³ - در سمت راست جاده سمنان - تهران و در محل قریه لاسگرد بنای امامزاده مشاهده می‌گردد که به نامن امامزاده سیدرضا و سیدعلی‌اکبر از اولاد موسی کاظم علیه السلام مشهور است امامزاده مزبور در سیصد قدمی کاروانسرای شاه عباس در یک حیاط وسیع و بدون درختی که گورستان نیز می‌باشد واقع است. محمد علی مخلصی، آثار تاریخی سمنان، بی‌تا، بی‌جا، ص 136.

⁴ - گلزاری، مسعود، همان منبع، ص 14.

ظاهراً در گذشته راهی از سمت جنوب و از بیابانک سمنان به اصفهان ختم می‌شد، که صنیع‌الدوله در گزارش خود و در شرح مسافرتش در سال 1303 به سمنان می‌نویسد: « پوشیده نباشد که بیابانک سمنان که زیر لاسگرد و در چهار فرسخی شهر سمنان است؛ از آن- جا راهی است به اصفهان بسیار نزدیک، که حالا شتردارها از آن راه حرکت می‌نمایند. بعضی از بیابانک از زیردست به طرف یسار که سمت جنوب باشد، راه مزبور به سمت اصفهان امتداد یافته است و ظاهراً این راه در گذشته ایام، شاهراه بوده است و قافله‌ها و زوار از این جاده از اصفهان به طرف سمنان و خراسان می‌رفته‌اند و عقیده‌ی بعضی این است که شاه‌عباس اول که پیاده به زیارت مشهد مقدس مشرف شده از این راه رفته است.¹

بهترین شرح و توصیف را از شهر سمنان صنیع‌الدوله، در اثر مشهور خود به نام «مطلع الشمس» آورده است و می‌گوید: «شهر سمنان به صفایی که گفته‌اند باقی است و خرابی هم ندارد. قلعه‌ی شهر شصت و شش برج دارد، که فاصله‌ی هر برج تا برج دیگر از دویست قدم الی دویست و پنجاه قدم است، و دروازه‌های شهر عبارتست از: دروازه‌ی عراق و دروازه- ی خراسان - جنبدان - ناسار و دروازه‌ی چوب مسجد. شهر سمنان یازده محله دارد و اسامی محلات از این قرار است:

- 1- محله ناسار (واقع در مرکز و شمال غربی شهر)
- 2- محله لتی‌بار (شمال شرقی سمنان)
- 3- اسفنجان (جنوب غربی شهر سمنان)
- 4- محله چوب مسجد (جنوب سمنان)
- 5- محله شاه‌جوق (شاه‌جوق، جنوب شرق سمنان)
- 6- محله کودی‌در (کدیور)
- 7- محله کل شمعان (کوشک مغان)

¹ - اعتماد السلطنه، محمدحسین، مطلع الشمس، جلد سوم، ص 1126.

8- محله فرادقان (زاوغان) که این سه محله در 4 کیلومتری مغرب سمنان بنام

محلات ثلاث مشهور هستند.

9- محله لیتجی (ملحی)

10- کودان کوه¹

این شهر هم اکنون با مساحت 20714 کیلومتر مربع، در دامنه‌ی جنوبی سلسله جبال البرز واقع گردیده است و از غرب به شهرستان گرمسار و بخش فیروزکوه و از شرق به شهرستان دامغان و از سوی جنوب به کویر مرکزی ایران در نهایت به شهرستان نائین و استان اصفهان و از شمال به سلسله جبال البرز محدود شده است.

طول جغرافیایی شهرستان سمنان 53 درجه و 22 دقیقه و 30 ثانیه و ارتفاع آن از سطح دریا 1100 متر و اختلاف ساعت تهران با سمنان 7 دقیقه و 40 ثانیه است.

عمده‌ترین بناهای تاریخی و قدمت آنها در شهرستان سمنان

نام بنا	موقعیت جغرافیایی	قدمت تاریخی
قلعه سارو	سمنان	ساسانی
قلعه‌ی شیخ چشمه سر	شهمیرزاد	ساسانی
مسجد جامع	سمنان	سلجوقی - ایلخانی
آرامگاه شیخ علاءالدوله سمنانی	صوفی آباد	ایلخانی
آرامگاه شیخ محمود فردقانی	مؤمن آباد	ایلخانی
امامزاده یحیی (ع)	سمنان	صفویه
امامزاده علویان	سمنان	صفویه
کاروانسرای لاسجرد	لاسجرد	صفویه
کاروانسرای آهوان	آهوان	صفویه
بقعه‌ی پیغمبران	سمنان	صفویه
گرمابه حضرت	سمنان	صفویه
مسجد امام	سمنان	قاجاریه
ارگ سمنان	سمنان	قاجاریه
بقعه پیر نجم الدین	سمنان	مغول و ایلخانی
شکارگاه ملاده		
کاروانسرای شاه سلیمانی آهوان	روستای آهوان	صفویه
منار مسجد جامع	سمنان	سلجوقی

¹ - اعتماد السلطنه، محمد حسن، مطلع الشمس، جلد سوم، ص 1101

مشاهير و معارف شهر سمنان

عنوان	تاريخ تولد	تاريخ وفات	آثار	شهرت
شيخ حسن سكاك سمنانى	اوايل قرن پنجم و اوايل قرن ششم	-	-	عرفان و تصوف
بى بى منجمه سمنانى	-	-	-	نجوم
شيخ علاءالدوله سمنانى	659 هجرى	-	سرابال فى اطوار اهل الحال سلوه العاشقين	تفسير، تصوف، عرفان، حكمت و كلام و ...
اشرف سمنانى	نيمه دوم قرن هشتم	8 هجرى	الطائف اشرفى بشارت المریدين سلوه العاشقين و ...	عرفان ، تصوف
لسان الدين افضل سمنانى	قرن هشتم هجرى	-	منافع الناس	فلسفه و حكمت
حاج ملا على سمنانى	1253 هجرى	1333 هجرى		

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ:

- 1- ابوالفداء ، تقویم البلدان، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1349.
- 2- یاقوت حموی، معجم البلدان، جلد 3، تهران: انتشارات سعدی ، 1965.
- 3- ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین، 1342.
- 4- مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان، و مترجمان کتاب، 1361
- 5- صنفی نژاد، نظام آبیاری سنتی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1359.
- 6- آبادی با ویل، محمد، ظرایف و طرایف، تبریز، بی‌نا، 1357.
- 7- شیندلر، هوتوم، سه سفرنامه (تحت سفر خراسان) به کوشش قدرت ا... روشنی زعفرانلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1347.
- 8- گنجی، محمد حسن، 32 مقاله جغرافیایی ، تهران، انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، 1353.
- 9- گابریل آلفونس، عبور از صحاری ایران ترجمه از: فرامرز مجید سمیعی ، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 1371.
- 10- کرزل جرج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، جلد 2-1 ترجمه از غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ، 1367.
- 11- مخلصی محمدعلی، آثار تاریخی سمنان ، بی‌تا، بی‌جا.
- 12- گلزاری، مسعود، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 2535.
- 13- اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، جلد سوم، به کوشش تیمور برهانی لیمودهی ، تهران ، انتشارات فرهنگسرا، 1362.